

Research Article

A Jurisprudential Analysis of the Documents of Article 412 of the Iranian Penal Code (Qisas for Broken Teeth)

Mahdi Narestani¹

Received: 07/09/2022

Accepted: 24/10/2023



Abstract

According to general principles and references to valid verses and narrations, tooth, like other human body parts, is subject to retribution. However, there is a dispute among scholars of the Imami sect regarding the ruling on retribution for tooth fracture. They can be divided into three groups: some believe in the permissibility of retribution for tooth fracture, some believe it is not permissible, and some remain silent on the issue. In 2013, the legislator of the Islamic Republic of Iran accepted the theory of permissibility of retribution in Article 412 of the Penal Code. The proponents of permissibility rely on evidence from Quranic verses (Al-Baqarah, 194) and some narrations. After examining the presented evidence, this paper concludes that the reliance of proponents on the permissibility of retribution is comprehensive, whether it is specifically or generally related to the tooth, as it does not meet the conditions for exemption from retribution under the principle of non-retribution for bones. Although the implementation of retribution is subject to the absence of other obstacles, this paper, by examining the general principles and references in the issue, proves the accepted viewpoint in Islamic Penal Law regarding retribution.

Keywords

Tooth retribution, permissibility of retribution, bone retribution, tooth fracture, non-retribution.

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Email: M.narestani@hsu.ac.ir.

ORCID: 0000-0002-4446-2616

* Narestani, M. (1402). A Jurisprudential Analysis of the Documents of Article 412 of the Iranian Penal Code (Qisas for Broken Teeth). *Journal of Fiqh*, 30(115), pp. 190-213.

<https://doi.org/10.22081/jf.2023.64841.2553>

● © Author (s).

مقاله پژوهشی

**واکاوی فقهی مستندات ماده ۴۱۲ قانون مجازات
 (قصاص شکستگی دندان)**

مهدی نارستانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

© Author (s)



چکیده

مطابق با عموماًت و اطلاعات آیات و روایات معتبر، دندان نیز همانند دیگر اعضای بدن انسان قابل قصاص است؛ اما در خصوص حکم به قصاص در شکستگی دندان مناقشه‌ای میان فقیهان امامیه واقع شده است. فقیهان در این موضوع سه گروه شده‌اند. برخی به جواز قصاص در شکستگی دندان و برخی دیگر به عدم جواز معتقدند و برخی سکوت کرده‌اند. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ در ماده ۴۱۲ قانون مجازات، نظریه جواز قصاص را پذیرفته است. ادله قائلان به جواز در اثبات مدعای خود، استناد به آیات قرآن (بقره، ۱۹۴) و پاره‌ای از روایات است. نوشتار حاضر پس از بررسی ادله ارائه شده به این نتیجه رسیده است که استناد قائلان به جواز به اطلاق آیه و روایات وارده در این باب تمام است؛ و چه تخصصاً و چه تخصیصاً بر دندان استخوان صدق نمی‌کند تا مشمول اصل عدم قصاص در استخوان گردد. اگرچه اجرای قصاص بر نبود دیگر موانع منوط است؛ بنابراین نوشتار حاضر با بررسی ادله عموماًت و اطلاعات موجود در مسئله، دیدگاه فقهی مورد پذیرش در قانون مجازات اسلامی را اثبات می‌کند.

کلیدواژه‌ها

قصاص دندان، جواز قصاص، قصاص استخوان، شکستگی دندان، عدم قصاص.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

M.narestani@hsu.ac.ir.

ORCID: 0000-0002-4446-2616

* **استناد به این مقاله:** نارستانی، نارستانی. (۱۴۰۲). واکاوی فقهی مستندات ماده ۴۱۲ قانون مجازات (قصاص شکستگی دندان). فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۵)، صص ۱۹۰-۲۱۳. <https://doi.org/10.22081/jf.2023.64841.2553>

مقدمه

قصاص از جمله مجازات‌ها در حقوق کیفری اسلام و از کیفرها و مجازات‌هایی است که مرتکب به علت ارتکاب جنایت عمدی بر نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد. یکی از اعضایی که ممکن است جنایت عمدی بر آن وارد شود، دندان است. طبق قاعده اگر جنایت عمدی بر عضو وارد شود، حکم اولیه آن قصاص می‌باشد و مطابق نص قرآن کریم (مائده، ۴۵)، بحث قصاص در دندان در شریعت حضرت موسی علیه السلام نیز بوده است و این آیه شریفه افزون بر اینکه حاکی از حکم قصاص دندان پیش از اسلام است، مبین این نکته هست که قصاص دندان در حقوق کیفری اسلام مورد پذیرش و تأیید قرار گرفته است.

آسیب‌های وارد بر دندان با توجه به نوع صدمه وارد و وضعیت جسمانی بزه‌دیده متنوع خواهد بود؛ از قبیل تغییر رنگ، کنده شدن، لق شدن، ترک برداشتن و شکستن. هر یک از این آسیب‌ها در قانون و فقه بررسی شده است.

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در سال ۹۲ در ماده ۴۱۲ اعلام می‌کند که «اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند، به قصاص محکوم می‌شود و در قصاص آن رعایت تساوی در محل دندان لازم است»؛ بنابراین مطابق با این ماده قانون هر دو حالت، یعنی هم در حالت کندن و هم در حالت شکستگی حکم قصاص ثابت است.

در این نوشتار در صدد واکاوی مبنای فقهی این ماده قانونی از منظر فقه امامیه می‌باشیم و نگاهی هم به ماده ۴۰۱ قانون داریم که در آن تصریح شده است که در شکستگی استخوان قصاص ساقط است و اینکه در موارد شکسته شدن استخوان‌ها به دلیل عدم رعایت تساوی در محل اساساً قصاص ممکن نیست و با توجه به اینکه دندان نوعی استخوان است و به تعبیری استخوان ظاهر می‌باشد، طبق این مواد مشمول حکم به عدم جواز قصاص خواهد بود. حال چرا قانون‌گذار در ماده ۴۱۲ به قصاص قائل شده است؟

در خصوص پیشینه پژوهش، تنها یک مقاله با عنوان «بازخوانی مستندات فقهی در باب شرط تساوی محل در قصاص دندان» نوشته علی محمدیان و همکاران در مجله

فقه، زمستان ۱۳۹۹، سال بیست و هفتم به چاپ رسیده است که ناظر به موضوع پژوهش کنونی نیست.

روش پژوهش طبق رویه مستمر در علوم اسلامی، از نوع توصیفی - تحلیلی است که با مراجعه به منابع کتابخانه سامان یافته است.

برای این منظور نخست، به قصاص دندان در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ (الف) اشاره مختصری می‌شود، سپس به واکاوی موضوع در فقه می‌پردازیم (ب) که در این خصوص ابتدا آرای فقیهان و پس از آن ادله را بررسی می‌کنیم و در نهایت نتیجه مباحث (ج) ارائه می‌شود.

۱. قصاص دندان از منظر قانون مجازات ۹۲

در ابتدا لازم است پیشینه قانون‌گذاری این ماده بیان شود. پیشینه این ماده در قانون گذشته (ماده ۲۹۱ قانون مجازات سابق)، بدین قرار است:

ماده ۲۹۱ - هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند، با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می‌شود.

و در قانون کنونی در ماده ۴۱۲ مقرر شده است: «اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند، به قصاص محکوم می‌شود و در قصاص آن رعایت تساوی در محل دندان لازم است».

در مقام مقایسه بین این دو ماده می‌توان گفت که اولاً تأکید قانون‌گذار در ماده ۲۹۱ سابق به رعایت شرایط قصاص عضو ضرورت ندارد و زائد است؛ زیرا روشن است که در همه موارد قصاص عضو می‌بایست شرایط عام قصاص و نیز شرایط خاص قصاص عضو رعایت گردد؛ از این رو این قید در ماده ۴۱۲ جدید وجود ندارد و بدین جهت این ماده به ماده سابق برتری و رجحان دارد؛ ثانیاً تفاوت دیگر این دو ماده در این است که در ماده جدید تصریح شده است که رعایت تساوی در محل دندان لازم است. تصریح به این قید در قانون طبق نظر برخی‌ها مناسب، بلکه لازم است؛ زیرا اگرچه شرط تساوی در محل در بند الف ماده ۳۹۳ قانون کنونی ذکر شده است، باید بر انطباق دقیق این

شرط در بعضی از اعضا مانند دندان به سبب اختلاف فقیهان تاکید شود؛ از این رو در صورت جنایت بر هر دندانی از مجنی علیه بر همان دندان در جانی قصاص می شود؛ یعنی در قصاص افزون بر جهت بالا و پایین و راست و چپ تساوی در جایگاه خاص دندان نیز باید رعایت شود.

پرسشی که ممکن است در اینجا مطرح شود آن است که با توجه به ماده ۳۸۶ قانون کنونی که تصریح می کند و مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود دیگر شرایط مقرر در قانون قصاص و در غیر این صورت، مطابق مواد دیگر این قانون از حیثیت دیه و تعزیر عمل می گردد؛ همچنین با توجه به ماده ۳۸۷ که اعلام می دارد جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو و جرح و صدمه های وارد بر منافع، دیگر نیازی به ذکر این ماده نبود؛ زیرا جریان قصاص عضو شامل همه اعضای بدن می شود و لازم نیست قانون گذار در هر عضوی به این نکته تصریح کند. در پاسخ به این سوال گفته شده است که با توجه به اینکه قانون گذار در ماده ۴۰۱ تصریح می کند که جنایت شکستگی استخوان و قصاص ساقط می باشد، با توجه به اینکه دندان نوعی استخوان محسوب می شود (صیمری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۰؛ لنگرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۰۸)، اگر ماده ۴۱۲ ذکر نمی شد با توجه به ماده ۴۳۲ دیگر جنایت بر دندان قابل قصاص نبود؛ به همین علت قانون گذار برای اینکه جنایت بر دندان از موارد عدم جواز قصاص شمرده نشود، ماده ۴۱۲ به جواز قصاص در دندان تصریح می کند و این ماده و به عنوان یک خاص از عام سابق تخصیص داده شده است (امامی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۲).

با توجه به اینکه قانون گذار در تمام مباحث وضع قوانین طبق اصول قانون اساسی ملزم به رعایت موازین اسلامی، یعنی فقه امامیه می باشد، در ادامه جهت تحلیل مبنای فقهی ماده ۴۱۲ به بررسی نظرات فقیهان امامیه می پردازیم.

۲. بررسی فقهی مسئله

دندان به عنوان یکی از اعضای بدن انسان که از اندام های سخت داخل دهان می باشد، موضوع احکام شرعی در باب های مختلفی از قبیل طهارت، صلات، صوم، حج، صید و

ذباحه، اطعمه و اشربه، حدود، قصاص و دیات در فقه شیعه واقع می‌گردد (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۶۵۵).

از منظر فقیهان شیعه در باب قصاص در جنایت بر دندان اصلی غیرشیری در صورتی که از ریشه کنده و ساقط شود، قصاص ثابت است و تردیدی در آن نیست؛ زیرا قدر متیقن از آیه کریمه قرآن جواز قصاص در کندن دندان است و یکی از فروع مهم دیگری که ذیل این مسئله مطرح می‌شود و قانون‌گذار نیز به آن اشاره کرده است و موضوع این تحقیق است، حکم شکستن دندان است که فقیهان امامیه سه دیدگاه ارائه کرده‌اند.

۲-۱. دیدگاه نخست

شماری از فقیهان به قصاص قائل‌اند. البته منوط به اینکه موجب تغییر نگردد. مجلسی دوم این قول را در مقابل قول مشهور به بعضی از فقیهان نسبت می‌دهد. «در شکستن دندان قصاص نیست؛ بلکه دیه می‌گیرند بنا بر مشهور و بعضی گفته‌اند که اگر توان بهمان مقدار که شکسته است، بی‌زیاده و نقصان ببرند، قصاص می‌کنند» (اصفهانی، مجلسی دوم، بی‌تا، ص ۱۰۷)؛ برای نمونه شهید ثانی می‌فرماید: «دندان از اعضای است که در آن امکان حکم به قصاص وجود دارد؛ به دلیل آیه شریفه قرآن، در حالت کندن دندان که حکم قصاص لازم است، اما در شکستگی دندان حکم قصاص وجود ندارد؛ زیرا در روایت آمده است که در شکستگی استخوان قصاص ممکن نیست و ایشان در تعلیل آن می‌فرماید «چراکه مماثلت در آن امکان ندارد و در ادامه مقرر می‌دارند چه بسا در شکستگی دندان احتمال ثبوت قصاص باشد، اگر امکان استیفای قصاص به مانند جنایت وارده ممکن باشد، بدون هیچ‌گونه زیاده و شکافتن مابقی دندان‌ها و فرق دندان با سایر استخوان‌ها در این است که دندان استخوانی است که از اکثر مواضع قابل رویت است و برای اهل صنعت ابزار و آلاتی است که قابلیت حفظ حدود را دارند. در نتیجه دندان مانند سایر استخوان‌ها نیست» (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۸۸).

صاحب مفتاح الکرامه در شرح قواعد العلامه می‌نویسد که «علامه به حکم قصاص

در شکستن دندان جزم دارد. البته منوط به اینکه اجرای قصاص بدون زیاده و ایجاد شکاف در مابقی دندان باشد» (عاملی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۸). برخی از فقیهان معاصر هم به جواز قصاص در شکستگی دندان قائل اند. متن فتوای آنها به این شرح می باشد: «دندان ریشه دار اگر از اصلش کنده شود، قصاص دارد؛ و همچنین از ظاهرش اگر شکسته شود، با رعایت مماثلت در قصاص و ملاحظه آلت قطع در قصاص چه در تمام ظاهر باشد یا در بعض آن» (گیلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۴۵۹). البته برخی از فقیهان در مقام استیفای قصاص در شکستگی قیدی را آورده اند: اگر دندانی که در آورده شده، دندان «مغر» باشد؛ یعنی دندان اصلی که بعد از افتادن دندان های شیری روییده می شود، در آن قصاص است. و اینکه آیا در شکستن آن قصاص یا دیه و ارش است؟ دو وجه دارد که اقرب اولی است؛ ولی در قصاص گرفتن باید با وسیله ای آن را شکست تا مماثله حاصل شود؛ مانند وسائل جدید و نباید با چیزی آن را زد که آن را می شکند؛ زیرا نوعاً مماثله حاصل نمی شود (خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۳۳۹).

بر فرض پذیرش این مبنا که اگر راوی روایت از فقیهان باشد، آن روایتی را نقل می کند که مورد فتوایشان بوده است (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۴۶). در صحیح ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل است که «سَأَلْتُهُ عَنِ السِّنِّ وَالذَّرَاعِ يَكْسِرَانِ عَمْدًا أَلْهَمَا أَرَشٌ أَوْ قَوْدٌ فَقَالَ قَوْلٌ قَالَ قُلْتُ فَإِنْ أضعفوا الدية فقال إن أرضوه بما شاء فهو له؛ از امام علیه السلام درباره دندان و دستی که به عمد شکسته شده اند، پرسیدم: آیا ارش ثابت است یا قصاص؟ حضرت فرمود: قصاص. عرض کردم: اگر چندین برابر دیه پردازند، چه صورت دارد؟ فرمود: اگر به مقداری که مجنی علیه می خواهد، وی را راضی کنند، آن مقدار برای اوست». فقیهان قدیم مانند کلینی و صدوق تصریح کرده اند که در شکستگی دندان قصاص ثابت است و ایشان به حکم قصاص در شکستگی دندان قائل اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۲۰؛ قمی، صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۳۵).

۲-۲. دیدگاه دوم

بنا بر تعبیر برخی از فقیهان مشهور، فقیهان امامیه در شکستگی دندان به قصاص قائل

نیستند. مجلسی دوم حکم عدم قصاص را به صراحت به مشهور نسبت می‌دهد: «در شکستن دندان قصاص نیست؛ بلکه دیه می‌گیرند بنا بر مشهور» (اصفهانی، مجلسی دوم، بی‌تا، ص ۱۰۷). حسب تحقیق و جستجوی انجام گرفته پژوهشگر این پژوهش در کتاب‌های فقهی، به صراحت کسی از فقیهان به عدم قصاص حکم نداده است. البته یکی از فقیهان معاصر اظهار کرده است: «... به جز شیخین (شیخ مفید، شیخ طوسی) کس دیگری به این روایت عمل نکرده است» (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۷۷). منظور از روایت، صحیحه ابی بصیر است که به صراحت حکم به قصاص در شکستگی دندان در آن ذکر شده است. البته نظر فقیه یادشده در این مسئله، «فالظاهر ثبوت القصاص فیه؛ حکم به قصاص است» (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۰۸).

۲-۳. دیدگاه سوم

بعضی از فقیهان گرامی درباره موضوع قصاص یا عدم قصاص شکستگی سکوت کرده‌اند و مسلم است که سکوت ایشان نه چیزی را اثبات می‌کند و نه چیزی را نفی می‌کند. برخی از محققان معاصر در خصوص تعداد فقیهانی که سکوت کرده‌اند، اظهار می‌دارند «که بسیاری از فقیهان درباره قصاص در شکستگی دندان سکوت کرده‌اند» (مسعود امامی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۶).

برای نمونه در ادامه به نظرات دو تن از فقیهانی که تمام احکام دندان را در ذیل بحث دندان مقرر می‌دارند، ولی در این مساله هیچ اشاره‌ای به شکستن دندان نمی‌کنند، اشاره می‌کنیم؛ شیخ بهایی می‌فرماید: «کسی که دندان دیگری را کنده باشد، مثل آن دندان او را باید کند؛ به شرطی که دندان آن کس را که کنده است، بیرون نیاید؛ اما اگر بیرون آید، قصاص نمی‌توان کرد و رجوع در این به اهل خیرت باید کرد؛ پس اهل خیرت گویند که دندان کنده شده او دیگر بیرون نمی‌آید و پس از قصاص کردن بیرون آید، بر خلاف عادت بر او چیزی نیست و اگر دندان کسی را که اهل خیرت گویند که بیرون می‌آید و او قصاص کرده باشد، ارش بر او لازم است و اگر دندان طفل را کنده باشد، انتظار بیرون آمدن آن باید کشید؛ پس اگر بیرون نیاید، قصاص لازم است و اگر

بیرون آید، ارش باید گرفت جهت زمانی که دندان نداشته و اگر متغیر شده بیرون آید نیز ارش می گیرد و اگر پیش از بیرون آمدن دندان یا پس از مایوس شدن از بر آمدن دندان طفل بمیرد، در این هر دو صورت ارش لازم است و دندان اصلی را جهت دندان زیادتی نمی توان کند و همچنین دندان زیادتی را به عوض دندان زیادتی که در غیر مکان باشد، نمی توان کند» (عاملی، بهاء الدین، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۷).

همچنین آقای اسحاق کابلی مقرر می دارد: «مسئله ۳۴۱۰ قصاص در دندان ثابت می باشد؛ بنابراین اگر دندان شخصی را در بیاورد، او حق دارد دندان جانی را به عنوان قصاص در بیاورد. چنانچه در محل دندان در آورده شده، قبل از قصاص به طور اتفافی دندانی همانند دندان قبل بروید، در این فرض بنابر اقرب حق قصاص برای آن شخص محفوظ است» (کابلی، ۱۴۲۶ق، ص ۷۰۷).

۳. بررسی ادله

نظر به اینکه دیدگاه سوم که صرفاً سکوت و عدم اظهار نظر است، قابلیت تحلیل ندارد. در این مرحله به بررسی ادله دو دیدگاه نخست و دوم می پردازیم.

۳-۱. بررسی ادله دیدگاه نخست

آنچه که در فقه اهل بیت علیهم السلام به عنوان منبع و حجت می باشد، عقل و نقل است و با توجه به اینکه عقل در احکام جزئی ورودی ندارد و موضوع بحث یک حکم شرعی جزئی است؛ از این رو نوبت به دلیل عقلی مستقل نمی رسد. در خصوص ادله نقلی (کتاب و سنت) ما به بررسی این ادله در خصوص این موضوع از منظر فقیهان قائل به این حکم می پردازیم.

الف) کتاب

یکی از آیاتی که امکان دارد بر جواز قصاص در شکستگی دندان استدلال شود، این آیه است: «فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ؛ هر کسی به شما

تعدی کرد، شما هم همان گونه به او تعدی کنید» (بقره، ۱۹۴).

چگونگی استدلال به این صورت است که وقتی یک فرد با علم و آگاهی بدون هیچ مجوز شرعی و قانونی دندان دیگری را بشکند، یکی از مصادیق تعدی است و بر اساس مدلول آیه، به همان مقدار جایز است از متجاوز گرفته شود.

آیت‌الله روحانی از فقیهانی است که قائل‌اند در شکستگی دندان قصاص ممکن است و دلیل این مسئله را شمول «عموم ادله قصاص» نسبت به این موضوع می‌داند و از منظر ایشان آیه شریفه فوق به عنوان یکی از مصادیق «عموم ادله قصاص» می‌باشد (قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، صص ۱۶۰-۱۶۱).

البته ممکن است در جواب به این استدلال گفته شود که این آیه به احکام جنگ با کفار ناظر است، نه به احکام قصاص و جنایاتی که میان افراد صورت می‌گیرد (هاشمی، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۸)؛ همچنین ممکن است نقد دیگری هم به این استدلال گردد؛ با این بیان که آیه شریفه در مقام بیان اصل تشریح است و آیاتی که در مقام بیان اصل تشریح هستند، در نتیجه استناد به آنان آیات جهت قیود و شروط حکم ممکن نیست؛ بنابراین این آیه شریفه نمی‌تواند دلیل محکمی برای قائلان به قصاص باشد.

(ب) سنت

روایت اول: صحیح ابوبصیر:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السِّنِّ وَالذَّرَاعِ يُكْسِرَانِ عَمْدًا أَلَهُمَا أَرْشٌ أَوْ قَوْدٌ فَقَالَ قَوْدٌ قَالَ قُلْتُ فَإِنْ أضعفوا الدية فقال إن أرضوه بما شاء فهو له؛ ابوبصیر از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند: از امام عليه السلام درباره دندان و دستی که به عمد شکسته شده‌اند، پرسیدم: آیا ارش ثابت است یا قصاص؟ حضرت فرمود: قصاص. عرض کردم: اگر چندین برابر دیه بپردازند، چه صورت دارد؟ فرمود: اگر به مقداری که مجنی علیه می‌خواهد، وی را راضی کنند، آن مقدار برای اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۲۰).

بررسی سندی

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى:

نجاشی در توصیف ایشان می نویسد: «محمد بن یحیی ابوجعفر العطار القمی، شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳). عالمان معاصر هم ایشان را ثقة می دانند (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۷۵۸).

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ:

عنوان کامل ایشان أحمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله الأشعري است که در جوامع رجالی ایشان را «امامی، ثقة» دانسته اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۱؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۹).

الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ:

شیخ طوسی عنوان کامل ایشان را حسین بن سعید بن حماد می داند و در شرح او می نویسد که ایشان اهل اهواز بوده و دارای تألیفاتی بوده است و او را «ثقة» می داند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۵).

النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ:

لقب ایشان «الصیرفی کوفی» است و ایشان را نیز ثقة دانسته اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۴۵؛ حسن بن علی حلی، ۱۳۸۳ق، ص ۳۶۰).

عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ:

نجاشی از ایشان با عنوان «عاصم بن حمید الحنط الحنفی» یاد می کند و در توصیف ایشان می نویسد: «ثقة، عین، صدوق» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۱).

أَبِي بَصِيرٍ:

أبُو بَصِيرٍ لقب او و نام ایشان «یحیی بن القاسم» است که در شرح او بزرگان اوصافی همچون «ثقة، وجیه» به کار برده اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۴۱).

با توجه به شرح حال راویان این حدیث، مطابق قواعد علم حدیث، این حدیث صحیح می باشد. البته بزرگانی از محدثان و فقیهان امامیه همچون مجلسی و صاحب جواهر این روایت را صحیح می دانند (اصفهانی، مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۱۰۵؛ عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۸۸؛ قمی، محمد مؤمن، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۹؛ لنگرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۷۷؛

حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۳۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۵۶؛ حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۴۴؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲ موسوعه، ص ۱۹۳) و البته برخی از آن به معتبره تعبیر کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۱۱).

بررسی محتوایی

از این روایت بر می‌آید که راوی از دو موضوع مختلف از امام معصوم سؤال می‌کند: یکی از شکستن عمدی دندان و ذراع می‌پرسد که آیا در آنها ارش ثابت است یا قصاص؟ که حضرت می‌فرماید: قصاص. در نگاه اولی و ابتدایی نه تنها روایت ظهور در جواز قصاص، بلکه نص در این مطلب است.

مجلسی دوم در ذیل این روایت در بحث قصاص در شکستگی دندان مقرر می‌دارد که در شکستگی دندان اختلاف نظر بین فقیهان وجود دارد و این روایت دلیل و حجت برای قائلان به جواز قصاص است (اصفهانی، مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۱۰۵؛ اصفهانی، مجلسی اول و دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۵۸۹).

آقای خویی در ذیل این حدیث می‌فرماید: «فلا بدّ من حملها علی ما لا یرجی صلاحه و إلا فیردّ علمها الی أهله» (خویی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۹۳)؛ به این معنا که مورد ذکر شده در این حدیث (جواز قصاص در عضو) باید حمل شود بر مصادیقی که امید بهبودی آن عضو بعد از شکستن نیست و در غیر این صورت، عمل به این حدیث باید به اهلش (اهل بیت علیهم‌السلام) واگذار گردد.

برخی دیگر از فقیهان معاصر در ذیل این حدیث فرموده‌اند که این روایت صحیحه اگرچه در مقایسه با روایت «لیس فی کسر العظام قصاص؛ در شکستن استخوان قصاصی نیست» اخص محسوب می‌گردد، چون اصحاب از عمل به این روایت اعراض کرده‌اند و با توجه به اینکه فلسفه حکم قصاص برای حفظ مردم از تعدی و ظلم است، اگر خود قصاص بخواهد موجب تعدی گردد که در آنجا قصاصی نخواهد بود، باید روایت را بر موردی حمل کرد که شکستگی به نحوی باشد که عضو تلف شده محسوب گردد و امید بهبود آن داده نشود؛ در غیر این صورت امکان

عمل به این روایت وجود ندارد (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۹۱).

در نتیجه با توجه تحلیل فوق به دلیل اعراض مشهور از این روایت‌ها، امکان استناد به این روایت ممکن نیست؛ زیرا به دلیل اعراض مشهور روایت ضعیف می‌گردد. اما در پاسخ به این اشکال باید گفت:

اولاً اعراض از روایت ثابت نیست؛ به دلایل زیر:

۱. مطابق این مبنا که کلینی فقیه و صاحب فتوی بوده و روایت‌هایی را که بدان‌ها عمل می‌کرده است، در کافی ضبط کرده و با توجه به آمدن این روایت در ذیل باب «ان الجروح قصاص» کتاب کافی، باید گفت کلینی هم به عنوان یک فقیه به این روایت عمل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۲۰؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۲۹).

۲. اگر این مبنا هم پذیرفته شود که راویان یک روایت قطعاً خود به محتوای روایت قائل بوده‌اند، به‌ویژه برخی از راویان ممتاز از جمله احمد بن محمد بن عیسی که عبارت برخی از فقیهان معاصر ناظر به این مناسبت (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۴۶)، در نتیجه این روایت مورد قبول راویان آن به‌ویژه احمد بن محمد بن عیسی می‌باشد.

۳. تصریح برخی از فقیهان به اینکه شیخ طوسی و شیخ مفید به این روایت عمل کرده‌اند (خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۴۲؛ لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۷۷)؛ البته با مراجعه به دو کتاب المقننه و النهایه مشخص می‌گردد که کلام آنها در ذیل حدیث فوق نیست؛ بلکه ایشان به صورت کلی می‌گویند که در شکستن دست و یا هر استخوانی که قابلیت بهبودی دارد، قصاص ممکن نیست؛ بلکه جواز قصاص در شکستگی منوط به عدم اصلاح و علاج می‌باشد (بغدادی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۱؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۲).

۴. عمل فقیهان معاصر به این روایت بدون هیچ قید و شرطی بوده است؛ از جمله حاج آقا رضا مدنی کاشانی برای اعراض مشهور از این روایت، وجهی قائل نیست و از مستندات حکم قصاص دندان این روایت را می‌آورد (کاشانی، ۱۴۱۰ق، صص ۲۰۴ و ۲۳۵). البته برخی از فقیهان معاصر گفته‌اند که این روایت باید بر بعضی از مراتب شکستگی حمل شود، آن‌هم مواردی که قصاص کردن در آن موجب تغییر نگردد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۱۱).

ثانیاً این مبنا که اعراض مشهور موجب ضعف روایات مورد پذیرش همگان نیست؛ زیرا برخی همچون آیت‌الله خویی رحمته‌الله معتقد است به طور مطلق «عمل مشهور خبر ضعیف را منجبر نمی‌کند و اعراض مشهور نیز خبر صحیح را منکسر نمی‌سازد» (شاهرودی، بی‌تا، ص ۱۳۶).

برخی دیگر از معاصران معتقدند که اگر اعراض مشهور به جهت اجتهاد باشد، نه به جهت اینکه روایتی یا دلیل دیگری به دست آنان رسیده که به دست ما نرسیده است، بنابراین نمی‌توان به مجرد اعراض مشهور، حکم به عدم اعتبار روایت کرد یا ظاهر روایت را کنار گذاشت (شیرازی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۱۳۴).

در نتیجه نظر به اینکه از حیث صغروی اعراض مشهور از این روایت ثابت نیست، از حیث کبروی هم اینکه اعراض مشهور موجب ضعف روایت گردد، مورد قبول نیست؛ بنابراین با توجه به صحت سندی و دلالت واضح آن و نظر به پذیرش تجزیه در حجیت یک روایت، این روایت دلیل بر حکم بر جواز قصاص در شکستگی دندان می‌باشد.

روایت دوم: موثقه اسحاق بن عمار:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِيمَا كَانَ مِنْ جَرَاحَاتِ الْجَسَدِ أَنْ فِيهَا الْقِصَاصُ أَوْ يَقْبَلَ الْمَجْرُوحُ دِيَةَ الْجِرَاحَةِ فَيُعْطَاهَا؛ امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان عليه السلام درباره جراحات‌های بدن چنین قضاوت کرد: قصاص ثابت است، مگر مجروح دیه جنایت را بپذیرد و به وی پرداخت شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۷۵؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۱۷۶).

نظر به اینکه روایت نخست از دیدگاه پژوهشگر در این موضوع کافی و وافی است و موضوع این روایت کلی است؛ بنابراین به بررسی جزئی سند روایت نپرداخته و به معتبر بودن آن نزد فقیهان اکتفا می‌شود (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲ موسوعه، ص ۱۷۷).

از منظر دلالتی این روایت به صورت کلی و عام می‌فرماید حکم اولی در جراحات قصاص است و شکستگی دندان نوعی جراحات است؛ پس طبق این روایت هم حکم اولی در شکستگی در دندان قصاص می‌باشد. در اینکه ما بتوانیم از حکم این روایت، یعنی ثبوت قصاص در جراحات به عنوان یک کبرای کلی در بحث شکستگی دندان

استفاده کنیم، اول باید دید که آیا موضوع روایت (جراحت بودن) در خصوص شکستگی دندان صدق می‌کند؟ برای کشف این صدق، به عرف خاص، یعنی فقیهان و محدثان باید رجوع کرد.

در مجامع روایی محدثان بزرگوار عنوان‌های انتخابی از سوی آنان گویا دیدگاه خود آنان می‌باشد؛ از جمله وجه مشترک عنوان انتخابی شیخ حرّ عاملی و ملامحسن فیض کاشانی و مجلسی‌ها این است: «باب ثبوت قصاص در جراحت». تمام این بزرگواران در ذیل این باب، حدیث ابی بصیر را آورده‌اند که شرح دلالتی و سندی آن گذشت: «...سَأَلْتُهُ عَنِ السِّنِّ وَ الدَّرَاعِ يُكْسِرَانِ عَمْدًا أَلَهُمَا أَرْشٌ أَوْ قَوْدٌ فَقَالَ قَوْدٌ...». این بدان معناست که از منظر ایشان شکستگی دندان نوعی جراحت است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۱۷۵؛ کاشانی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۲۷۳؛ کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۶۸۱؛ اصفهانی، مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۱۰۳؛ اصفهانی، مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۳۹۹).

افزون بر محدثان بزرگوار، فقیهان نیز در آثار فقهی خود در ذیل بحث قصاص در جراحت به روایت ابی بصیر (شکستگی دندان) به عنوان یکی از مصادیق آن اشاره کرده‌اند (عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۸۸؛ خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲ موسوعه، ص ۱۹۲؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۳۲۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۱۱؛ قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۱۱۹)؛ بنابراین با توجه به منابع فوق می‌تواند گفت که از منظر ادبیات فقهی، شکستگی دندان نوعی از جراحت است و موضوع روایات ثابت گردید. در نتیجه مطابق روایت در هر جراحتی حکم اولیه قصاص است. شکستگی دندان نوعی جراحت است؛ پس طبق این روایت هم حکم اولی در شکستگی در دندان قصاص می‌باشد. البته این مهم مورد توجه است که فقیهان برخی از جراحت‌ها را از عمومیت این روایات خارج ساخته‌اند؛ اما با توجه به اینکه در خصوص حکم قصاص شکستگی دندان روایت خاص داریم (روایت نخست: روایت ابی بصیر)، دیگر تخصیص شکستگی دندان از این روایت، گویا اجتهاد در مقابل نص باشد.

۲-۳. بررسی ادله دیدگاه دوم

در مقابل نظر دیدگاه اول، دیدگاه دوم مبنی بر عدم جواز قصاص طبق نقل مجلسی

دوم که دیدگاه مشهور است و همان طور که بیان شد، در تحقیق و جستجوی انجام شده عبارت یا فتوایی به صراحت قائل به عدم جواز باشد یافت نشد؛ اما می‌توان به برخی از ادله که امکان تقویت این نظر را داشته باشد، اشاره کرد.

الف) قاعده فقهی «لا قصاص فی عظم»

قاعده فقهی «لا قصاص فی عظم» (کاشانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷) بدین معناست که در استخوان قصاص وجود ندارد. در منابع حدیثی امامیه چندین روایت ناظر به این مطلب وجود دارد:

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ كُلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرٍ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ لَيْسَ فِي عَظْمٍ قِصَاصٌ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۱۸۵).

۲. «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَمِينُ فِي حَدِّ وَلَا قِصَاصٍ فِي عَظْمٍ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۱۸۵).

این قاعده از حیث سندی مشکلی ندارد و از منظر دلالتی هم دلالت دارد که اگر جنایت عمدی بر استخوان واقع شود، حکم به قصاص در آن داده نمی‌شود. با توجه به اینکه دندان یکی از مصادیق استخوان است، پس مطابق این قاعده فقهی در شکستن دندان حکم به قصاص نمی‌تواند داد.

در مقام پاسخ به این استدلال و دفاع از قول به جواز قصاص، دو پاسخ می‌توان ارائه داد.

پاسخ نخست آن است که این قاعده و مستندات روایی آن، در مقام بیان یک حکم عام می‌باشند و روایت صحیحی ابی‌بصیر درباره مستندات این قاعده اخص می‌باشد (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۹۱)؛ بنابراین با توجه به اینکه اولاً در اعراض مشهور از این روایت خدشه گردید و ثانیاً بر فرض اعراض طبق مبانی برخی از فقیهان که مورد پذیرش این پژوهش است، اعراض مشهور موجب تضعیف روایت نمی‌گردد، در نتیجه روایت یادشده قاعده فوق را تخصیص می‌زند و بنابراین در شکستگی دندان قصاص ممکن است.

پاسخ دوم مبتنی بر مدعای آقای سبحانی از فقیهان معاصر می‌باشد. ایشان مقرر می‌دارد: آنجا که گفتیم عظم و استخوان قصاص ندارد، مراد از «عظم» غیردندان بود؛ هر چند دندان هم عظم است، ولی عظم در روایات عبارت است از آن استخوانی که روی آن پرده‌ای قرار دارد؛ یعنی عظم در روایات شامل دندان نمی‌شود؛ بنابراین «عظم» در اصطلاح روایات، غیر از سنّ است؛ هر چند از نظر علمی سن هم یکی از استخوان‌هاست.^۱

بر فرض پذیرش ادعای فوق شکستگی دندان موضوعاً از حیثه قاعده خارج است و شکستگی دندان تخصصاً از موضوع قاعده خارج است.

ب) قاعده عدم تغیر

تغیر در لغت به معنای جان و نفس را در معرض خطر قرار دادن است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۶۹). در اصلاح فقهی در باب قصاص عضو چنان که اگر قصاص عضوی موجب شود که قصاص شونده در معرض هلاکت قرار گیرد یا به عضوی دیگر او صدمه وارد گردد، چنین وضعیتی را تغیر گویند.

از منظر فقیهان یکی از اصول باب قصاص «عدم القصاص مع التغیر بالنفس»، یعنی عدم حکم به قصاص در صورتی است که اجرای حکم قصاص موجب هلاکت نفس گردد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۸۸)؛ زیرا فلسفه حکم قصاص حفظ مردم از تعدی و ظلم است. اگر خود قصاص بخواهد موجب تعدی گردد که در آنجا قصاصی نخواهد بود (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۹۱).

در موضوع شکستگی دندان به دلیل اینکه اجرای حکم قصاص در آن موجب تغیر و صدمه بیشتر از صدمه وارد شده توسط جانی می‌گردد، در نتیجه با توجه به قاعده و اصل عدم تغیر امکان حکم به قصاص منتفی می‌گردد.

در پاسخ به استدلال فوق و در دفاع از نظریه جواز قصاص می‌توان گفت که بین

1. <http://tohid.ir/fa/index/book?bookID=343&page=15#593>

شرطیت یک قید یا مانعیت آن تفاوت وجود دارد. در بحث قصاص عضو، آیا عدم تغیر شرط حکم جواز قصاص است یا مانع از حکم به جواز قصاص است یا مانع از اجرای حکم قصاص است؟ با مراجعه به کتاب‌های فقهی آنچه که مشهود است این است که عدم تغیر به عنوان یک مانع مد نظر است؛ یعنی در بحث شکستگی دندان با توجه به عموم ادله قصاص و روایت خاص، مقتضی حکم به قصاص وجود دارد. آنچه که در واقع می‌تواند مانع اجرای حکم قصاص گردد، نه مانع صدور حکم قصاص احتمال تغیر است. به‌ویژه که در عصر کنونی که وسایل جدید و امکانات پزشکی پیشرفته وجود دارد، امکان تحقق هم‌مانندی بین جنایت و قصاص وجود دارد (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۰۸)؛ در نتیجه حکم به جواز قصاص ملازمه با تغیر ندارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این پژوهش تحلیل شد در میان فقیهان امامیه اعم از فقیهان قدیم و معاصر، اگر نگوییم مشهور، تعداد قابل توجهی به جواز قصاص در فرض شکستگی دندان قائل‌اند؛ البته با رعایت دیگر شروط از جمله مماثلت. در مقابل برخی فقیهان به نقل مجلسی دوم جواز قصاص را نپذیرفتند. با بررسی روایت‌های موجود می‌توان گفت که نظر قائلان به جواز از پشتوانه روایی خوبی برخوردار است و استدلال به اینکه اولاً از این روایت‌ها اعراض شده است، علاوه بر اینکه در تحقق اعراض مشهور شبهه وجود دارد، مطابق مبنای مورد پذیرش این پژوهش، اعراض مشهور تأثیری در صحت روایت ندارد؛ ثانیاً استدلال به اینکه دندان استخوان است و از مسلمات فقهی نزد مسلمانان این است که در استخوان قصاصی نیست، با مناقشه مواجه است؛ زیرا با پذیرش روایت ابوبصیر این روایت موجب تخصیص قاعده فوق می‌باشد. با توجه به وسایل پیشرفته پزشکی امروز اجرای حکم قصاص موجب تغیر نمی‌گردد؛ بنابراین ماده ۴۱۲ قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران از منظر فقه امامیه دارای پشتوانه روایی قابل اعتنایی می‌باشد.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۴، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. امامی، مسعود. (۱۳۹۷). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (مصوب ۹۲، قصاص عضو). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه الاسلامی.
۳. بهجت گیلانی فومنی، محمدتقی. (۱۴۲۶ق). جامع المسائل (بهجت) (ج ۵، چاپ دوم). قم: دفتر معظم له.
۴. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۶ق). تفتیح مبانی الأحکام - کتاب القصاص (یک جلدی، چاپ دوم). قم: دارالصدیقة الشهیدة علیها السلام.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية (ج ۲، چاپ اول). بیروت: دارالعلم للملایین.
۶. حائری طباطبایی، سیدعلی بن محمد. (۱۴۰۹ق). الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع - حدیقة المؤمنین (ج ۳، چاپ اول). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۷. حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ط - الحدیثة) (ج ۱۶، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (ج ۲۹، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. حسینی روحانی قمی، سیدصادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام (للمروحانی) (ج ۲۶، چاپ اول). قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. حلّی، حسن بن علی بن داود. (۱۳۸۳ق). رجال ابن داود (در یک جلد)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۳۸۱ق). رجال العلامة - خلاصة الأقوال (در یک جلد، چاپ دوم). نجف: منشورات المطبعة الحیدریة.

۱۲. خمینی، سیدروح الله موسوی. (۱۴۲۵ق). تحریر الوسيلة (مترجم: علی اسلامی، ج ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. سبزواری، سیدعبد الأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (للسبزواری) (ج ۲۹، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
۱۴. شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع) (ج ۳، چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۱۵. شبیری زنجانی، سیدموسی. (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح (زنجانی) (ج ۷ و ۳، چاپ اول). قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۱۶. شریف کاشانی، ملاحییب الله. (۱۴۰۴ق). تسهیل المسالك إلى المدارك (چاپ اول). قم: المطبعة العلمية.
۱۷. صیمری، مفلح بن حسن (حسین). (۱۴۲۰ق). غاية المرام في شرح شرائع الإسلام (ج ۴، چاپ اول). بیروت: دارالهادی.
۱۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). رجال الشيخ الطوسي - الأبواب، (در یک جلد، چاپ سوم) قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى (یک جلدی، چاپ دوم). بیروت: دار الكتاب العربي.
۲۰. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحكام (ج ۱۰، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (ج ۱۵، چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۲۲. عاملی، بهاء الدین، محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین. (بی تا). جامع عباسی و تکمیل آن (محشّی، ط - قدیم) (دو جلدی، چاپ اول). تهران: مؤسسه منشورات الفراهانی.
۲۳. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی. (بی تا). مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - القديمة) (ج ۱۱، چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربي.

۲۴. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - القصاص (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۲۵. فیاض کابلی، محمد اسحاق. (۱۴۲۶ق). رساله توضیح المسائل (فیاض) (یک جلدی، چاپ اول). قم: انتشارات مجلسی.
۲۶. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). الوافی (۲۶ جلدی، چاپ اول). اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علیه السلام.
۲۷. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی. (۱۴۲۵ق). الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام (ج ۲، چاپ اول). تهران: دار نشر اللوح المحفوظ.
۲۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیة) (ج ۷، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۹. مجلسی (اول)، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ج ۱۰، چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور.
۳۰. مجلسی (دوم)، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ج ۲۴، چاپ دوم). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۱. مجلسی (دوم)، محمد باقر. (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار (ج ۱۶، چاپ اول). قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۳۲. مجلسی (دوم)، محمد باقر. (بی تا). حدود و قصاص و دیات مجلسی (چاپ اول). تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
۳۳. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا. (۱۴۱۰ق). کتاب القصاص للفقهاء والخواص (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی. (۱۴۱۳ق). المقنعة (للشیخ المفید) (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام.
۳۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج ج ۴۲ موسوعة (۲ جلدی، چاپ اول). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي علیه السلام.

۳۶. مؤمن قتی، محمد. (۱۴۱۵ق). کلمات سدیة فی مسائل جدیدة (یک جلدی، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعة (در یک جلد). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. نجفی، محمدحسن (صاحب الجواهر). (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (۴۳ جلدی، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۹. هاشمی، سید محمود. (۱۳۷۷). حکم بی حس کردن اعضاء هنگام اجرای کیف‌های جسمانی. مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۱۵، صص ۳-۲۴.

40. <http://tohid.ir/fa/index/book?bookID=343&page=15#593>



References

1. Ameli, B., & Sawoji, N. (n.d.). *Jame Abbasi and its completion*. (1st ed., Vol. 2). Tehran: Farahani Publications Institute. [In Arabic]
2. Ameli, S. J. (n.d.). *Miftah al-Karamah fi Sharh Qawa'id al-Alamah* (1st ed., Vol. 11). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
3. Ameli, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'il al-Islam* (1st ed., Vol. 15). Qom: Institute of Islamic Knowledge. [In Arabic]
4. Bahjat Gilani Fumani, M. T. (1426 AH). *Jame al-Masail* (2nd ed., Vol. 5). Qom: Moazzam lah Office. [In Arabic]
5. Emami, M. (1397 AH). *Explanation of the Expanded Islamic Penal Code*. (Approved 1392 AP, Equal Retaliation). Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia. [In Persian]
6. Fayaz Kaboli, M. I. (1426 AH). *Risalah Tawdih al-Masa'il* (1st ed., Vol. 1). Qom: Majlesi Publications. [In Arabic]
7. Fazel Movahedi Lankarani, M. (1421 AH). *Tafsir al-Shari'ah fi Sharh Tahreer al-Wasilah - Al-Qisas* (1st ed.). Qom: Fiqhi Center of the Pure Imams. [In Arabic]
8. Feyz Kashani, M. (1406 AH). *Al-Wafi* (1st ed., Vol. 26). Isfahan: Library of Imam Ali ibn Abi Talib. [In Arabic]
9. Feyz Kashani, M. (1425 AH). *Al-Shafi fi al-Aqa'id wa al-Akhlāq wa al-Ahkam* (1st ed., Vol. 2). Tehran: Dar Nashr al-Lawh al-Mahfuz. [In Arabic]
10. Ha'iri Tabatabai, S. A. (1409 AH). *Al-Sharh al-Saghir fi Sharh Mukhtasar al-Nafi - Hadiqat al-Mu'minin* (1st ed., Vol. 3). Qom: Publication of Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
11. Ha'iri, S. A. (1418 AH). *Riyad al-Masail* (1st ed., Vol. 16). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
12. Hashemi, S. M. (1377 AP). *Hukm bi-Haskardan-e A'zaye Hengam-e Ejaraye Qisamani. Ahl al-Bayt Fiqh*, 15, pp. 3-24. [In Arabic]
13. Helli, H. (1381 AH). *Rijal al-Alamah - Khulasat al-Aqwal* (2nd ed., Vol. 1). Najaf: Manshurat al-Matba'ah al-Haidariyyah. [In Arabic]

14. Helli, H. (1383 AH). *Rijal Ibn Dawood*. Tehran: Tehran University Publication. [In Arabic]
15. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'a* (1st ed., Vol. 29). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
16. Husseini Rohani Qomi, S. S. (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq* (1st ed., Vol. 26). Qom: Imam Sadiq. [In Arabic]
17. Ibn Babawayh Qomi (Saduq), M. (1413 AH). *Man La Yahzar al-Faqih* (2nd ed., Vol. 4). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Scholars of Qom Seminary. [In Arabic]
18. Jawhari, I. (1410 AH). *Al-Sahah - Taj al-Lughah wa Sahah al-Arabiyyah* (1st ed., Vol. 2). Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
19. Keliny, A. (1407 AH). *Al-Kafi* (4th ed., Vol. 7). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
20. Khomeini, S. R. (1425 AH). *Tahreer al-Wasilah* (Vol. 4, A. Eslami, Trans.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Scholars of Qom Seminary. [In Arabic]
21. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Miraat al-Uqul fi Sharh Akhbar Aal al-Rasul* (2nd ed., Vol. 24). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
22. Majlesi, M. B. (1406 AH). *fi Fahm Tahdhib al-Akhbar* (1st ed., Vol. 16). Qom Maladh al-Akhyaar: Library of Ayatollah Marashi Najafi. [In Arabic]
23. Majlesi, M. B. (n.d.). *Hudud, Qisas, and Diyah in Majlisi*. (1st ed.). Tehran: Institute for the Publication of Islamic Works. [In Persian]
24. Majlesi, M. T. (1406 AH). *Rawdat al-Muttaqin fi Sharh Man La Yahzar al-Faqih* (2nd ed., Vol. 10). Qom: Islamic Cultural Institute of Kushanpur. [In Arabic]
25. Mofid, M. (1413 AH). *Al-Muqni'ah (lil-Sheikh al-Mufid)* (1st ed.). Qom: World Congress of the Millennium of Sheikh Mufid. [In Arabic]
26. Mousavi Kho'i, S. A. (1422 AH). *Mabani Takmilat al-Manhaj* (1st ed., Vol. 42). Qom: Institute for the Revival of the Works of Imam Khomeini. [In Arabic]
27. Muhaddith Kashani, R. (1410 AH). *Kitab al-Qisas lil-Fuqaha' wal-Khawas* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Scholars of Qom Seminary. [In Arabic]

28. Mu'min Qummi, M. (1415 AH). *Kalimat Sadeedah fi Masa'il Jadeedah* (1st ed., Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Scholars of Qom Seminary. [In Arabic]
29. Najafi, M. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'ih al-Islam* (7th ed., Vol. 43). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
30. Najashi, A. (1407 AH). *Rijal al-Najashi - Fihrist Asma' Musannifi al-Shi'a* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Scholars of Qom Seminary. [In Arabic]
31. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Mahzab al-Ahkam* (4th ed., Vol. 29). Qom: Al-Minar. [In Arabic]
32. Saimiri, M. (1420 AH). *Ghayat al-Muram fi Sharh Shara'il al-Islam* (1st ed., Vol. 4). Beirut: Dar al-Hadi. [In Arabic]
33. Shahroodi, S. M. et.al (1426 AH). *Fiqh Dictionary in accordance with the school of Ahl al-Bayt*. (1st ed., Vol. 3). Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia in the Ahl al-Bayt School of Thought. [In Persian]
34. Sharif Kashani, M. H. (1404 AH). *Taseeh al-Masalik ila al-Madarik* (1st ed.). Qom: Al-Matba'ah al-Ilmiyyah. [In Arabic]
35. Shobeyri Zanjani, S. M (1419 AH). *Kitab al-Nikah* (1st ed., Vols. 1, 3, & 7). Qom: Ra'y-e Pardaz Research Institute. [In Arabic]
36. Tabrizi, J. (1426 AH). *Tanqih-e Mabani al-Ahkam - Kitab al-Qisas* (2nd ed., Vol. 1). Qom: Dar al-Siddiqah al-Shahidah. [In Arabic]
37. Tusi, A. (1400 AH). *Al-Nihayah fi Majrad al-Fiqh wa al-Fatawa* (2nd ed., Vol. 1). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
38. Tusi, A. (1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam* (4th ed., Vol. 10). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
39. Tusi, A. (1427 AH). *Rijal al-Sheikh al-Tusi - Al-Abwab* (3rd ed., Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Scholars of Qom Seminary. [In Arabic]
40. <http://tohid.ir/fa/index/book?bookID=343&page=15#593>